

دومین «قحطی انگلیسی» در ایران به‌روایت خراسان

به‌دنبال اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، انگلیسی‌ها با در دست گرفتن امور اقتصادی کشور و خارج کردن گسترده مواد غذایی از آن، دومین قحطی گسترده را پس از قحطی نخست در سال ۱۲۹۶، پدید آور دند. این قحطی و عوارض آن، حدود یک دهه دامن ایرانیان را گرفت. روزنامه خراسان، در سال ۱۳۲۹، بخشی از تأثیرات این قحطی فراگیر را در قالب گزارش، بررسی کرده‌است

جواد نوائیان رودسری – ۱۶ فروردین اسمال، رهبر انقلاب در دیدار شاعران و استادان زبان فارسی، ضمن بیان‌اتشان گفتند: «اگر کشورهای غربی بتوانند یک کشور ی مثل ایران اسلامی را که دنبال استقلال و دنبال ایستادگی و استقامت است، از موادغذایی لازم‌هم محروم کنند، می‌کنند؛ آن‌ها همچنان که داروهای لازم را ممنوع کردند، آن وقتی که واکسن لازم داشتیم، پولش را گرفتند [اما] واکسنش را ندادند- در سال ۹۹ پول واکسن را گرفتند و به بهانه‌های مختلف واکسن را ندادند - شک نداشته باشید چنان‌چه می‌توانستند کاری کنند که غذای مردم، نان مردم داخل کشور نیاید و در کشور به وجود نیاید، حتماً می‌کردند؛ یعنی این‌ها این جور ی هستند . حالا آن قضیه قحطی قرن هم که به جای خود محفوظ؛ این هم یک جور تهاجم است.» اشاره حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در این سخنان به موضوع «قحطی قرن»، توجه به دو واقعه تاریخی تأثیرگذار بر ایران معاصر است:نخست قحطی بزرگ سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ش که ما آن را نخستین «قحطی انگلیسی» می‌نامیم و طبق تحقیق و پژوهش پرفسور مجد، در کتاب «قحطی بزرگ» و بر اساس اسناد انتشار یافته وزارت خارجه آمریکا، حدود نیمی از جمعیت ۱۶ میلیون نفری ایران را به دلیل گرسنگی یا ابتلا به بیماری‌های مسری و خطرناک مانند تیفوس، وبا، حصبه و ... به کام مرگ و نیستی کشاند. این رویداد محنت‌بار تاریخی، به دلیل فعالیت‌های پژوهشی سال‌های اخیر و نیز تکاپوهای رسانه‌ای برای نشان دادن ابعاد آن، نزد مردم ایران شناخته شده‌است. اما دومین «قحطی انگلیسی» که ابعاد گسترده‌تری داشت و در دهه ۱۳۲۰، رقم خورد، چندان شهرتی در بین مردم ندارد؛ قحطی فراگیری که با سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ آغاز شد و مدت تأثیر گذاری آن، بسیار بیشتر از قحطی پیشین بود و به واقع، تا یک دهه بعد از اشغال ایران، ایرانیان را در گیر خود کرد. از هم‌پاشیدن ارتشی که رضاشاه آن قدر به قدرتش می‌ناید، از یک سو و از سوی دیگر، تر لرزل عجیب ساختارهای تولیدی به ویژه در بخش کشاورزی که طبق ادعای برخی، در دوره رضاشاه به شدت

تقویت شده بود، فرجام تلخی را برای مردم رقم زد؛ فرجامی که در تاریخ ایران کمتر به آن پرداخته شده‌است و عموماً، وقتی از آن صحبت می‌شود، باز به تاریخی‌اش بین سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۲ محصور می‌ماند؛ ولی ما شواهدی در دست داریم که نشان می‌دهد، ماجرای قحطی و مرگ‌میر ناشی از آن، بسیار طولانی‌تر و کش‌دارتر از آن بود که بعضی ادعای می‌کنند.

قحطی چگونه‌واز کجا آغاز شد؟

بعد از اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰، انگلیس و شوروی بر اساس ماده هفتم پیمان ۲۴ آذر ۱۳۲۰ با دولت ایران، متعهد شد بودند که مواد غذایی مورد نیاز نیروهای خود را از خارج وارد کنند. ظاهراً مسئولان وقت، از بروز اتفاقی مانند آن چه در دهه ۱۲۹۰، حدود ۲۵ سال قبل، رخ داده بود، می‌ترسیدند. با این حال، نه شوروی و نه بریتانیا، کوچک‌ترین اهمیتی برای این تعهدشان قائل نبودند. حسین مکی، در جلد هشتم «تاریخ بیست‌ساله ایران» می‌نویسد: «وضعیت نان شهرها فوق‌العاده خراب شده بود. دستگاه‌ناوایی و سیلو کار می‌کرد ولی نانی که از آر دیسیلو به حمت دست مردم می‌رسید، به اندازه‌ای ناگوار، خراب و غیرمأکول بود که موجب تلف شدن مردم پیدایش امراض در بین آن‌ها می‌شد. گزارش‌های محرمانه خبر از آلوده بودن آردها به خاک از ه و حتی خرده شیشه داشت؛ اتفاقی که در دوره قحطی پیشین هم، رقم خورده بود. با تسلط نیر و های بیگانه و از هم‌پاشیدن قوای نظامی و انتظامی ایران، امنیت به حد اقل رسید و غارتگری اشرار شدت یافت. این مسئله، باعث شد که روستاییان و ساکنان شهرهای کوچک، زمین‌های زراعی را رها کنند و به سوی نقاط امن بروند؛ خالی شدن زمین‌های زراعی از نیروی کار، یکی از سنگین‌ترین آسیب‌ها را به ساختار تولیدات کشاورزی ایران وارد فرایند قحطی را تشدید کرد. در همان حال که شهرها و دهات ایرانی، از نبود غله رنج می‌بردند و توانایی تأمین نان روزانه خود را نداشتند، دولت، با فشار اشغالگران، صادرات مواد غذایی را آزاد گذاشته

بود. طولی نکشید که حجم صادرات اقلام خوراکی، سربه‌فلک زد. نیروهای انگلیس و شوروی در داخل ایران، دقیقاً مانند جاربورقی عمل می‌کردند؛ هر چه به دستشان می‌رسید، جمع‌آوری و روانه خارج از کشور می‌شد. در پنجم خرداد ۱۳۲۱، انگلیسی‌ها که عملاً اختیار امور کشور را با استفاده از عوامل نفوذی خود در دربار و سیاستمداران وابسته برعهده داشتند، قانونی را به امضای دولت ایران رساندند که تیر خلاص بر پیکر اقتصاد کشور بود؛ قانون چاپ و انتشار اسکناس برای تأمین نیاز ربالی نیروهای اشغالگر. به این ترتیب، دولت بدون آن که پشتوانه‌ای برای پول ایرانی در نظر بگیرد، میلیون‌ها تومان وجه نقد را چاپ کرد و در اختیار انگلیسی‌ها گذاشت. بریتانیایی‌ها تقریباً در تمام ایران، به خرید مواد غذایی مشغول بودند و البته، سهمی از آن را در اختیار نیروهای شوروی قرار می‌دادند. انبار مرکزی گندم انگلیسی‌ها در اهواز قرار داشت. آن‌ها محصولات خریداری شده را به این انبار می‌فرستادند تا سر فرصت، به مقصدهای مدنظر در آن سوی مرزهای ایران ارسال شود. از همه در آووتر، ادعای حکومت انگلیس در حاتم‌بخشی به ایرانیان بود؛ در حالی که تا چند سال بعد، بخشی از غله مورد نیاز انگلیسی‌ها با همین شیوه از ایران خارج می‌شد، آن‌ها در اخبار رادیویی خود مدعی بودند که کامیون‌های پر از غله را از بغداد، به ایران گسیل می‌کنند تا مانع قحطی شوند؛ اما به قول حسین مکی، انگلیسی‌ها «با رادیو گندم وارد و با کامیون خارج می‌کردند؛ در این بین، فعالیت دلال‌های از خدایی‌خبر، باعث وخامت بیشتر اوضاع شد. در مناطقی که به‌صورت سنتی، آب کمتر وجود داشت و اراضی زیر کشت محدودتر بود، وخامت تشدید و تلفات بیشتر می‌شد. برخی از نواحی مرکزی و جنوبی خراسان بزرگ، مانند نهبندان و بجستان، تحت تأثیر این سیاست، دست کم پائیان دهه ۱۳۲۰ ش و حتی با وجود خروج نیروهای متفقین، نتوانستند به‌وضع طبیعی برگردند؛ این وضعیت با تشدید گسترش مناطق بیابانی که بخشی از آن معلول هاشدن زمین‌های زیر کشت و مهاجرت مردم به دلیل ناامنی و تسلط بیگانگان بر کشور بود،



شرایط ناگوار و وحشتناک را برای مردم، رقم زد. موضوعی که خبرنگار خراسان آن را در گزارش بی‌نقص خود منعکس کرده‌است.

پیر مردی با لب و دهان سبز!

بخشی از گزارش بسیار مهم و ارزشمند «یادداشت‌های مسافرت طبس» به بررسی شرایط یکی از مناطق قحطی‌زده در جنوب خراسان بزرگ اختصاص دارد؛ کریت، قریه بزرگی میان فردوس و طبس که در آن زمان، ۱۲ پارچه آبادی داشت. گزارش مربوط به کریت در سوم خرداد ۱۳۲۹، در صفحه نخست روزنامه خراسان منتشر شده‌است. این گزارش تصویری بی‌نقص از شرایط حاکم بر آن محیط می‌دهد: «مزارع بین گناباد و تربت [حیدریه] بعد از شهریور ۱۲۰، اغلب دچار سیل ریگ روان شده‌اند. کریت هم از این مصیبت بی‌نصيب نمانده و مقدار زیادی اراضی بایر و دایر آن را که قابل کشت و کار بوده، ریگ‌روان فرا گرفته [است] و به محض آن که باد تند ی می‌وزد، ریگ‌های روان مانند سیل از کویر جاری می‌شود... موقعی که به کریت رسیدیم، چند دقیقه توقف کردیم و همین توقف مختصر سبب شد که به‌وضع اهالی رسیدگی کنیم. پیر مردی که متجاوز از ۶۰ سال داشت با قد خمیده و موهای سفید در کناری ایستاده بود، حالت او توجه ما را جلب کرد. رنگ چهره پیر مرد پریده و چشم‌هایش بی‌فروغ و آثار خستگی و ضعف کاملاً از وی مشهود بود. قدری که به او نزدیک شدیم، لب و دهانش که سبز رنگ بود، بیشتر حس کنجکاو ی ما را تحریک کرد. پرسیدیم علت آن که لب و دهان و دندان‌های سبز رنگ شده چیست؟ پیر مرد که توانایی حرف زدن نداشت به زحمت جواب داد که از شدت گرسنگی و از بس که علف بیابان خورده‌ام. چون دهان خود را برای حرف زدن گشود، دیدیم که داخل دهانش نیز سبز رنگ و زبانش متورم شده‌است.

منظره‌ای مصیبت‌بار در تمام خراسان

یکی از مهم‌ترین فرازهای گزارش یادداشت‌های مسافرت طبس» که افزون بر جزئی‌نگری خبرنگار، سیمای عمومی خراسان در دهه ۱۳۲۰ را به تصویر می‌کشد، فراز مربوط به بازدید از بجستان مشاهده مهاجرت‌های گسترده به دلیل قحطی فراگیر و طولانی است. در این گزارش که در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۹ در صفحه نخست روزنامه خراسان منتشر شد، آمده‌است: «در کنار جاده بجستان به گناباد

پیام تبریک رئیس دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان به مناسبت روز جهانی بهداشت



پیام تبریک رئیس دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان به مناسبت روز جهانی بهداشت دکتر غلامعلی جوادان روز جهانی بهداشت را به همه همکاران شاغل در دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان به ویژه تلاشگران حوزه بهداشت تبریک گفت. متن این پیام به شرح ذیل است: بسم الله الرحمن الرحیم سازمان جهانی بهداشت با نامگذاری شعار سال «سلامت برای همه» این روز را به مردم جهان تبریک گفته و راه پر پیچ و خم بهداشت و درمان را به همگان یادآوری می‌کند. روز جهانی بهداشت مناسبتی است که هر سال مصادف با تأسیس سازمان جهانی بهداشت گرمی داشته می‌شود. سلامتی موضوعی مهم و دغدغه‌ای همگانی است که برای تمام مردم از اهمیت وافر برخوردار است. روز جهانی بهداشت در بردارنده مضامینی فراتر از یک روز مناسبتی بوده و فرصتی برای تمرکز تمام دنیا بر روی جنبه های مهم بهداشت جهانی است که هر ساله به عنوان شعار این روز توسط سازمان جهانی بهداشت اعلام می‌گردد. عنوان شعار سال ۲۰۲۳ بر اساس تغییرات جهانی در حوزه بیماریها، سلامت انسان ها و جامعه جهانی «سلامت برای همه» نامیده شده است. تا بر اساس این شعار و با همکاری همه جانبه کشورها سلامت همگانی محقق گردد، اینجانب ضمن عرض تبریک روز جهانی بهداشت به همه خادمان و والیان سازمان ها و مراکز بهداشتی فعال در سراسر جهان بویژه تمامی مدیران، معاونان، اعضای هیات علمی متخصصان، پزشکان، پرستاران، کارشناسان بهوزران، کارآموزان و کارورزان مراکز بهداشتی و درمانی استان هرمزگان؛ توفیق روز افزون، سلامت و موفقیت در برای تمامی این عزیزان از خداوند منان خواستارم. به امید روزی که هیچ فردی در سراسر جهان به علت فقر و استیصال محروم و از کمبود امکانات بهداشتی و درمانی محروم نگردد.

دکتر غلامعلی جوادان سرپرست دانشگاه

تاریخ

اتومبیلی باری، در کناری ایستاد و مسافرین زیادی در اطراف آن جمع و تصمیم حرکت دارند. در طرف دیگر، به عده زن و بچه گرد هم جمع شده و صدای ضجه و گریه آن‌ها بلند بود، به طوری که صدای آن‌ها توجه همه را به خود جلب کرده بود. چون نزدیک شدیم، معلوم شد این صدای گریه و ضجه از چند طفل خردسال و چند نفر زن‌های پیر و یک نفر زن جوان و یک مرد پدیر است. این‌ها عیال و مادر و پدر و فرزندان کوچک مرد جوانی بودند که می‌خواست بر کامیون مسافرت کند. چهره‌های ایشان مثل مرده‌ی بی‌رنگ بود. چشمان آن‌ها مبتلا به تراخم و آثار یأس و پویشانی و بیچارگی از وخت‌ناشان ظاهر و به قدری ضعیف و ناتوان بودند که گویی مدتی در

بستر بیماری بوده‌اند... این منظره دلخراش ما را بر آن داشت که بیشتر در اطراف این موضوع که ظاهراً یک مسافرت بیش نیست، تفحص و کنجکاو ی کنیم. معلوم شد این عائله و این زن و مرد پیر، بعد از یک عمر زندگی، به مرور آن چه ثروت و ملک و قهر علاقه داشته، از دست داده‌اند. از یک طرف، قهر طبیعت در این چندساله اخیر و از طرف دیگر، نتیجه ظلم‌هایی که از ناحیه بعضی مأمورین و نیز، اتفاقات بعد از اشغال در شهریور ۲۰ به آن‌ها وارد شده، به جز یک فرزند رشید و جوان ۳۵ ساله، چیزی دیگر برای ایشان باقی نمانده‌است و تنها مایه امید آن‌ها، همین جوان است که نان‌آور و سرپرست یک عائله بدبخت و فلک‌زاده می‌باشد... از جوان پرسیدیم: آیا قبلاً مسافرت کرده‌ای نه؟ جواب داد: خیر. پرسیدیم: در شهر چه کار می‌خواهی بکنی؟ گفت: هر کاری که پیش بیاید، عملگی و مزدوری و هر کاری که از عهده من برآید، حاضرم بکنم. گفتیم: به کجا مسافرت می‌کنی؟ گفت: به مشهد و اگر آن جاکار گیر نیامد، به تهران می‌روم، شاید بتوانم چیزی اضافه بر مخارج خود پیدا کنم و برای عائله‌ام بفرستم... زن جوان او، در حالی که دو طفل در بغل داشت، سر خود را به دیوار گذارد،ه، شیون می‌کرد. اتومبیل به حرکت در آمد و مسافتی را طی کرد و از نظر دور شد، ولی عائله او چشم به گردو غبار اتومبیل دوخته بودند... پیر مردی که پدر جوان بود می‌گفت: چند روز است هیچ کدام از ماهانان نخورده‌ایم و با علف بیابان شکم خود را اسیر کرده‌ایم. این یک منظره از صدها هزار منظره‌ای است که همه روزه، در سراسر خراسان دیده می‌شود مردم از شدت فقر و گرسنگی و فشار و سببانات مأمورین دیگر در روند تکمیل و بهره برداری فاز دو و برای به‌دست آوردن لقمه‌ای [نان] رو به شهرهای بزرگ می‌گذارند و از آن جاها باز می‌آیوسانه به تهران می‌روند. این است وضع زندگی خانوادہ‌هایی که روزی طبقه مولد ثروت بوده‌اند.»

ویژه

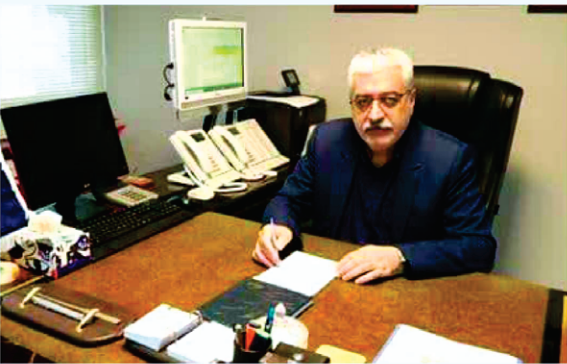
فاز ۲ پل غدیر همدان افتتاح شد



غدیر، اجرای عملیات خط‌کشی محوری پروژه تقاطع غیر همسطح پل غدیر، اجرا و نصب تابلوهای شوران و بال کیبوتری پل غدیر، جمع‌آوری و هدایت آب‌های سطحی پل غدیر اشاره کرد. شهردار همدان نیز تقارن بهار ۱۴۰۲ با ایام ماه مبارک رمضان را به فال نیک گرفت و گفت: اتمام پروژه‌های نیمه تمام مأموریت اصلی در ابتدای شورای اسلامی شهر و مدیریت شهری بوده است. سید مسعود حسینی اتمام پروژه‌های نیمه تمام را اصلی‌ترین مطالبه مردم دانست و افزود: پل غدیر و پل سردار شهید همدانی دو پروژه بزرگ در سطح شهر همدان است که با برخی مشکلات اقتصادی و فنی با رکود مواجه شده بود. وی ضمن تشکر از مدیریت قبل شهرداری به دلیل اجرای بخش اعظمی از پروژه‌های مذکور، از تلاش عوامل مختلف در تکمیل و بهره‌برداری این پروژه‌های اعم از پیمانکاران، کلیه

بیش از ۴ هزار نفر ساعت آموزش اپراتورهای جایگاه‌های سی‌ان‌جی گیلان انجام شد

با رشد روز افزون و فراگیر شدن صنعت سی‌ان‌جی در استان و نیاز به آموزش نیروی انسانی ماهر، برای ۸۹ نفر از اپراتورهای جایگاه‌های سی‌ان‌جی گیلان ۴ هزار و ۲۷۲ نفر ساعت آموزش انجام شد. وی گفت: «این دوره آموزشی به منظور آموزش اپراتوری جایگاه‌های سی‌ان‌جی طبق استاندارد آموزشی مصوب و بر اساس توافق‌نامه همکاری امضا شده میان شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی با اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای برگزار شده است.» مدیر منطقه با اشاره به افزایش سطح دانش تجربی پرسنل جایگاه‌ها سی‌ان‌جی استان افزود: «در سال گذشته ۷ دوره آموزشی به مدت ۴۸ ساعت در قالب ۲۰ ساعت عملی و ۲۸ ساعت تئوری اجرا شد.» وی بیان کرد: «آشنایی با تجهیزات جایگاه‌های سی‌ان‌جی، اصول ایمنی، معرفی و کاربرد قطعات در تجهیزات و بررسی نقش آنها در فرآیند تولید گاز طبیعی فشرده، بررسی اشکالات و خطاهای ایجاد شده در هر قطعه و تأثیر آن بر عملکرد فرآیند سوخت‌رسانی، اقدامات پیشگیرانه، اصول اولیه نگهداشت و تعمیرات تجهیزات از مهم‌ترین عناوین آموزشی این دوره‌ها بود.» مدیر منطقه خاطرنشان کرد: «در پایان دوره آموزشی به شرکت‌کنندگانی که در آزمون پایان دوره حدنصاب نمره قبولی را کسب نمودند، گواهینامه معتبر اپراتوری جایگاه‌های سوخت سی‌ان‌جی مورد تأیید سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای صادر و اعطاء شد.»



مدیر شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی منطقه گیلان، مجتبی شکوری از برگزاری ۴ هزار و ۲۷۲ نفر ساعت آموزش برای اپراتورهای جایگاه‌های سی‌ان‌جی در سال ۱۴۰۱ خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی منطقه گیلان و به نقل از مدیر منطقه، از فروردین لغایت پایان اسفند ماه سال گذشته، به منظور ارتقاء ضریب ایمنی در جایگاه‌های سوخت،